

|  |
| --- |
| درس خارج فقه حضرت آیت الله حسینی بوشهری  **موضوع کلی: راه‏های ثبوت نجاست** تاریخ: 6 اسفند 1391  **موضوع جزئی: مسئله 215** مصادف با: 13ربیع الثانی 1434  **سال: چهارم** جلسه:64 |

«الحمدلله رب العالمين و صلي‌الله علي محمد و آله الطاهرين و اللعن علي اعدائهم اجمعين»

مرحوم سید می‏فرماید:«**بل قد يكره أو يحرم إذا كان في معرض حصول الوسواس**»[[1]](#footnote-1)؛ گاهی احتیاط مکروه و مرجوح می‏باشد و گاهی حرام و آن در صورتی است که انسان در معرض وسواس باشد. گفتیم علت مرجوحیت احتیاط، اختلال نظام، تضییع وقت و امثال آن است.

ما در جلسه گذشته گفتیم احتیاط فی حد ذاته حرام نیست مگر اینکه عنوان دیگری بر آن مترتب شود و به عنوان ثانوی حرام گردد.

در این رابطه روایاتی داریم که موهم این است که احتیاط و عمل بر طبق وسواسی که انسان دچار آن است، حرام می‏باشد دسته‏ای از این روایات، انسان را نهی کرده از اینکه به شیطان عادت دهد که سراغ انسان بیاید و موجب شود که انسان مرتباً نمازش را نقض کند و بشکند و نشان دهنده این است که وسواس کار شیطان است.

**عَنْ زُرَارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: «لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ نَقْضَ الصَّلَاةِ»**[[2]](#footnote-2)؛ شیطان را عادت ندهید که سراغ شما بیاید و باعث شکسته شدن نمازتان شود.

بعضی از روایات دلالت دارد که وسوسه، عمل شیطان است مثل صحیحه عبدالله بن سنان قال: «**ذَكَرْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) رَجُلًا مُبْتَلًى بِالْوُضُوءِ وَ الصَّلَاةِ وَ قُلْتُ هُوَ رَجُلٌ عَاقِلٌ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَ أَيُّ عَقْلٍ لَهُ وَ هُوَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ، فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُطِيعُ الشَّيْطَانَ فَقَالَ: سَلْهُ هَذَا الَّذِي يَأْتِيهِ مِنْ أَيِّ شَيْ‌ءٍ هُوَ؟ فَإِنَّهُ يَقُولُ لَكَ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ.**»[[3]](#footnote-3)؛ عبدالله بن سنان می‏گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: مردی مبتلا به وضوء و نماز شده- کنایه از اینکه دچار وسواس شده است- در حالی که مرد عاقلی است، امام (ع) فرمود: این انسان عقلی ندارد در حالی که با این کارش از شیطان اطاعت می‏کند، گفتم چگونه اطاعت شیطان می‏کند؟ امام (ع) فرمود: اگر از او سؤال کنی این چیست که به آن دچار شده‏ای؟ خواهد گفت: این کار شیطان است که سراغ من می‏آید.

سؤال این است که آیا می‏شود حرمت وسواس را از این دو روایت استفاده کرد؟

اساساً وسواس حرام است؛ زیرا نهی از تعبید شیطان که انسان مرتکب نشود نقض صلاة را، مرجوح بودن را دلالت می‏کند چون نهایت چیزی که از روایت اول استفاده می‏شود حرمت نقض صلاة یا مرجوحیت آن است نه حرمت احتیاط به اینکه نماز را اعاده کند. اما روایت دوم دلالت می‏کند که عمل شیطان، نفس وسوسه است نه صلاة اعاده شده و می‏پذیریم که شخص وسواسی مطیع شیطان است اما دلیلی بر حرمت اطاعت آن مطلقا نداریم، چون کار مکروهی هم که ما انجام می‏دهیم و حتی کار مباحی هم که انجام می‏دهیم، می‏تواند از طرف شیطان باشد. بنابراین انجام کار مکروه یا مباح ولو اینکه ممکن است بر اساس تبعیت از شیطان باشد، اما حرام نیست.

بنابراین فی حد ذاته دلیلی بر حرمت وسواس نداریم مگر اینکه وسواس مستلزم عنوان حرامی شود مثل اینکه مستلزم تفویت صلاة شود که این کثیراً ما در رابطه با افراد وسواسی اتفاق می‏افتد یا اینکه وسواس موجب اختلال نظام شود.

نتیجه اینکه بر خود وسواسی بودن عنوان حرمت بار نمی‏شود اما اگر وسواسی بودن به اختلال نظام یا تفویت واجب، منجر شود به عنوان ثانوی حرمت پیدا می‏کند، پس نفس وسواسی بودن حرام نیست بلکه به عنوان ثانوی که موجب اختلال نظام و تفویت واجب شود حرام می‏باشد.

مسئله 215: «**لا اعتبار بعلم الوسواسي في الطهارة و النجاسة.**»[[4]](#footnote-4)؛ مرحوم سید می‏فرماید: علم انسان وسواسی در مورد طهارت و نجاست چیزی معتبر نیست. یعنی اگر انسان وسواسی اخبار از طهارت یا نجاست چیزی بدهد به اخبار او اعتماد نمی‏شود چون از طریق متعارف برای او علم به نجاست یا طهارت چیزی حاصل نشده است.

درباره این مسئله دو سؤال مطرح می‏شود:

سؤال اول: آیا شخص وسواسی در مقام امتثال می‏تواند به احتمال بسنده کند یا باید حتماً تحصیل علم نماید؟

پاسخ: آنچه به نظر می‏رسد این است که برای شخص وسواسی، تحصیل علم لازم نیست، اجرای اصل هم در مقام شک برای او ضرورتی ندارد، اینکه ما گفتیم در مشکوک الطهارة و النجاسة قاعده طهارت جاری کنید برای انسان‏های عادی است اما انسان وسواسی که شک او از نوع شکوک متعارف نیست، معنی ندارد که به قاعده طهارت تمسک کند. چون موضوع قاعده طهارت شکی است که برای افراد متعارف حاصل می‏شود اما شک شخص وسواسی از شکوک متعارف نیست تا بتواند موضوع برای اصل طهارت قرار بگیرد. قاعده اشتغال هم در حق شخص وسواسی جاری نمی‏شود به خاطر روایاتی که دلالت دارد بر اینکه در مورد کثیر الشک جایی برای قاعده اشتغال نیست و انسان وسواسی شدیدتر از کثیر الشک است پس به طریق اولی قاعده اشتراک در مورد وسواسی جاری نمی‏شود.

**عَنْ زُرَارَةَ وَ أَبِي بَصِيرٍ جَمِيعاً قَالا:«قُلْنَا لَهُ: الرَّجُلُ يَشُكُّ كَثِيراً فِي صَلَاتِهِحَتَّى لَا يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى وَ لَا مَا بَقِيَ عَلَيْهِ، قَالَ: يُعِيدُ، قُلْنَا: فَإِنَّهُ يَكْثُرُ عَلَيْهِ ذَلِكَ كُلَّمَا أَعَادَ شَكَّ، قَالَ: يَمْضِي فِي شَكِّهِ، ثُمَّ قَالَ: لَا تُعَوِّدُوا الْخَبِيثَ مِنْ أَنْفُسِكُمْ نَقْضَ الصَّلَاةِ فَتُطْمِعُوهُ،فَإِنَّ الشَّيْطَانَ خَبِيثٌ مُعْتَادٌ لِمَا عُوِّدَ، فَلْيَمْضِ أَحَدُكُمْ فِي الْوَهْمِ وَ لَا يُكْثِرَنَّ نَقْضَ الصَّلَاةِ، فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ مَرَّاتٍ لَمْ يَعُدْ إِلَيْهِ الشَّكُّ، قَالَ: زُرَارَةُ ثُمَّ قَالَ إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ، فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَى أَحَدِكُمْ»**[[5]](#footnote-5)؛ زراره و ابی بصیر می‏گویند: به امام صادق (ع) عرض کردیم، شخصی است که زیاد در نمازش شک می‏کند تا جایی که نمی‏داند چند رکعت خوانده و چند رکعت مانده است؟ امام (ع) فرمودند: نمازش را اعاده کند، عرض کردیم: این شک زیاد برای او اتفاق می‏افتد و در همان نمازی هم که اعاده می‏کند دچار شک می‏شود و همین طور است اگر دوباره اعاده کند، امام (ع) فرمودند: به شک خود اعتناء نکند، سپس حضرت فرمودند: شیطان را عادت ندهید که نمازهای شما را بشکند، و شما با این کار او را به طمع اندازید که شیطان خبیث است و اعتیاد پیدا می‏کند نسبت به آنچه عادت کرده است، پس باید در رابطه با وهم و امثال آن توجه نکنید و نماز را با این شکوک نقض نکنید، اگر انسان چند مرتبه این گونه عمل کند یعنی هر چه شیطان خواست حواس انسان را از نماز پرت کند، انسان به او توجه نکند شک به سراغ او نخواهد آمد، زراره گفت: امام (ع) فرمود: شیطان دوست دارد که اطاعت شود، پس اگر از او نافرمانی کردید سراغ شما نخواهد آمد.

این روایت دلالت می‏کند بر اینکه اعتباری به شک در مورد شخص وسواسی نیست؛ زیرا وضعیت او از کثیر الشک به مراتب بدتر و بالاتر است.

سؤال دوم: آیا به شهادت و اِخبار وسواسی می‏توان اعتماد کرد؟

پاسخ: به نظر می‏رسد که جایی برای اعتبار اِخبار و شهادت شخص وسواسی نباشد چون انسان وسواسی بر اساس اعتقادش استناد می‏کند و طبعاً او از اسباب متعارفی که دیگران استفاده می‏کنند، استفاده نمی‏کند لذا ادله حجیت خبر و شهادت از شخص وسواسی منصَرف است همان گونه که اصول عملیه نسبت به شک او قابل اجراء نیست.

**«والحمد لله رب العالمین»**

1. . العروة الوثقی، ج1، ص73. [↑](#footnote-ref-1)
2. . وسائل الشیعة، ج5، ص228، کتاب الصلاة، باب 16 من ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، ح2. [↑](#footnote-ref-2)
3. . همان، ج1، ص63، باب 10من ابواب مقدمة العبادات، ح1. [↑](#footnote-ref-3)
4. . العروة الوثقی، ج1، ص74. [↑](#footnote-ref-4)
5. . وسائل الشیعة،ج5، ص228، کتاب الصلاة، باب 16 من ابواب الخلل الواقع فی الصلاة، ح2. [↑](#footnote-ref-5)